

ورثه غیر بهائی از ارث سهم نمی برند

حضرت بهاءالله:

۱ - " سؤال : از بیت مسکون که مخصوص اولاد ذکور است.

جواب : اگر بیت مسکون متعدّد باشد اعلی و اشرف آن بیوت مقصود است و مابقی مثل سایر اموال است که باید بین کل قسمت شود و هر یک از طبقات وراثت که خارج از دین الهی است حکمش حکم معدوم است و ارث نمی برد "

(رساله سؤال و جواب، ۳۴)



بیت العدل:

۱ - " احکام مربوط به ارث فقط در صورتی مجری می گردد که شخص متوفی وصیت نامه بجا نگذاشته باشد . در کتاب مستطاب اقدس (بند ۱۰۹) امر به نوشتن وصیت نامه نازل گشته است . در جای دیگر صریحاً می فرمایند که هر فردی بر ما یملک خود اختیار تامّ دارد و آزاد است هر طور اراده نماید وصیت کند که ارث او بین هر کس ، خواه بهائی یا غیر بهائی ، تقسیم شود (سؤال و جواب ، فقره ۶۹). در توقیعی که حسب الامر حضرت ولیّ امرالله صادر شده توضیحات ذیل مندرج است : گر چه احبّاء مجازند در وصیت نامه ما یملک خویش را به اراده خود تقسیم نمایند ، انا اخلاقاً و وجداناً موظّفند که در نوشتن وصیت نامه دستور جمال مبارک را در مورد اثرات ثروت در جامعه همیشه در نظر گرفته و آن را مراعات نمایند و از جمع مال به حدّ افراط و تمرکز آن در بین افرادی معدود و یا گروه هائی محدود اجتناب نمایند . (ترجمه) آیه مذکور در کتاب اقدس مقدمه قسمت مفصلی است که در طیّ آن جمال قدم جزئیات احکام ارث را تشریح می فرمایند . در مطالعه این قسمت باید در نظر داشت که گرچه چنین بر می آید که این حکم در موردی است که شخص متوفی مرد باشد ولی فی الجمله احکام مزبور در مورد زنان متوفی نیز قابل اجرا است . اصول احکام ارث که طبق آن دارائی شخص متوفی بین هفت طبقه (اولاد ، همسر ، پدر ، مادر ، برادران ، خواهران و معلّمین) تقسیم می شود بر پایه احکامی استوار است که حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بیان نازل فرموده اند . تفصیل عمده احکام ارث ، در صورت فقدان وصیت نامه ، از این قرار است :

۱- در صورتی که شخص متوفی ذریه داشته و ماترک او شامل خانه مسکونی نیز باشد ، خانه مسکونی به پسر ارشد می رسد (سؤال و جواب فقره ۳۴).

۲- در صورتی که شخص متوفی فرزند ذکور نداشته باشد ، دو ثلث خانه مسکونی به ذریه دختر و ثلث دیگر به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقرات ۴۱ و ۷۲). در باره اینکه در این مقام مراد بیت العدل اعظم یا بیت العدل محلی است به یادداشت شماره ۴۲ مراجعه شود . (به یادداشت شماره ۴۴ نیز مراجعه شود).

۳- ما بقی دارائی شخص متوفی بین هفت طبقه وراثت تقسیم می شود . جزئیات مربوط به سهم هر گروه در رساله * (سؤال و جواب)* ، فقره ۵ و جزوه * (تلخیص و تدوین حدود و احکام)* ، قسمت د ، ۱-۳-۳- مندرج است .

۴- در صورتی که تعداد وراثت موجود در هر طبقه بیش از یک فرد باشد ، سهم آن طبقه بالسویه بین آنها ، اعم از زن و مرد ، تقسیم می شود .

۵- در صورتی که ذریه موجود نباشد ، سهم اولاد به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقرات ۷ و ۴۱) .

۶- در صورتی که ذریه موجود ولی سایر طبقات وراثت کلاً یا بعضاً مفقود باشند ، دو ثلث سهام آنان به ذریه و ثلث دیگر به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقره ۷) .

۷- در صورت فقدان تمام طبقات مصرّحه ، دو ثلث ماترک به خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌های شخص متوفی می رسد . اگر آنها نیز نباشند سهمشان به عمّه ، خاله ، عمو و دایی راجع می شود و در صورتی که آنها هم حیات نداشته باشند به فرزندانشان می رسد . در هر حال ثلث باقی مانده به بیت العدل راجع است .

۸- در صورتی که همه طبقات فوق الذکر مفقود باشند ، تمام دارائی شخص متوفی به بیت العدل راجع است .

۹- حضرت بهاءالله می فرمایند که نفوس غیر مؤمن از والدین یا منسوبین بهائی ارث نمی برند (سؤال و جواب ، فقره ۳۴) . حضرت ولی امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک مرقوم گشته چنین می فرمایند : این امر منحصرأ محدود به مواردی است که شخص بهائی بدون وصیت نامه فوت کند و لاجرم ما ترک او بر طبق کتاب اقدس تقسیم شود . در غیر این صورت فرد بهائی مختار است مایملک خود را به هر شخصی بدون ملاحظه دیانت ببخشد مشروط بر اینکه وصیت نامه‌ای تنظیم و نیت خود را تعیین کرده باشد . بنابراین ملاحظه می کنید که شخص بهائی همواره می تواند برای زوجه یا اولاد و یا منسوبان غیر بهائی خود در وصیت نامه سهمی منظور دارد . (ترجمه)

جزئیات مفصّلتر احکام ارث در جزوه * (تلخیص و تدوین حدود و احکام)* ، قسمت د ، ۱-۳-۳ تا ۱۵-۳-۳ خلاصه شده است " (کتاب اقدس - شرح ۳۸)